

# تو خود حدیث مفصل بخوان...

## منوچهر ستوده

ص ۷: عاقبت روزی بیابی کام را / علامت روی «عاً» و «بیابی» بی‌جاست.

ص ۸: در مصرع هات الصبوح هیوا یا ایها السکارا / نقطه زیر «السکارا» برای چیست؟

ص ۸: من قُبلة العذرا را به جای «قُبلة الغدارا» بگذارید.

ص ۸: ترکان پارسی گو / حرف یاء از آخر «گوی» افتاده است.

ص ۹: شکر کاف تشدید لازم دارد.

ص ۹: در مصراع آخر، کلمه «شما» چرا «شمسا» شده؟

ص ۱۳: بر چرخ ساقی پری پیکر/وزن ندارد.

ص ۱۳: حافظا غم مخور شاهد بخت / وزن ندارد.

ص ۱۴: خوش فتادن آن خال مشکین بر رخ رنگین غریب / به

جای فتادن باید «فتاد» بنویسد.

ص ۱۷: آشنایی نه غریب است دلسوز منست / وزن ندارد.

ص ۱۹: که خواجه خاتم جم یاوه کرد و باز نخست / یعنی چه؟

ص ۲۱: سر فراگوش من آورد و به آواز حزین / علامت مَد افتاده.

ص ۲۲: خطاط به جای هشیار باید «هوشیار» بنویسد.

ص ۲۳: سِرّ قضا به جای «سر قضا».

ص ۲۴: که رفت عمر و هنوزم دماغ پر ز نور است / پر ز نو است.

ص ۲۶: دل ز ما گوشه گرفت ابروی دلدار کجاست؟ / همه دعواها

بر سر دلدار است و آقای مرادی دلدار را از قلم انداخته و با خطی ریز

بالای مصراع اول نوشته است.

ص ۲۶: حرف «راء» را از کلمه خار انداخته و بسیار ریز بالای «خا»

نوشته است. جاداشت آن چه نوشته پاک کند و سعی کند حروف را از

قلم نیندازد.

ص ۲۷: پیش رفتار تو پا نگرفت از جخلت / این قسمت وزن

ندارد و کشیدگی پس از «خا و جیم» کلمه را از شکل حقیقی انداخته

است.

ص ۲۸: «جمال چهره تو» / سر بریده یاء بر روی «چهره» افتاده

است.

ص ۲۸: به صورت از نظر ما گرچه محجوب است / به جای «به

صورت از نظر ما اگرچه محجوب» است.

ص ۲۸: اگر به سالی به جای «اگر زسالی» و در «که سال هاست

که مشتاق» کلمه «که» از قلم افتاده است.

ص ۲۹: «امشبیست» را نمی‌توان به هم چسباند.

ص ۲۹: غبغبست / کدام یک از نسخه‌نویسان غبغب است را به

هم چسبانده‌اند؟

در مقابل ص ۳۰، شکل مردی است که مخلص ابتدا فکر کرد

تصویر حافظ است، ولی در صفحه بعد کوچک کرده این تصویر را

گنجانده‌اند و زیر آن نوشته‌اند: درویش مسکینه از مرقع هندی در کاخ

گلستان.

دیوان حافظ. براساس نسخه محمد قزوینی و قاسم غنی. خط: شمس‌الدین مرادی. نگارگری: گروهی از برجسته‌ترین هنرمندان. با مقدمه پرویز ناتل خانلری. انتخاب اشعار انگلیسی: مهدی افشار. ترجمه غزلیات: ویلبر فورس کلارک. تهران: شرکت مطالعات نشر کتاب پارسه، ۱۳۸۶.

پس از یک صفحه عنوان و تعریف و تمجید می‌رسیم به شرح حال حافظ شیرازی و ذیل آن نوشته‌اند این مقاله ترجمه خطاب‌ای است به زبان فرانسه که در سال ۱۳۲۹ شمسی در تالار مدرسه عالی زبان‌های شرقی در پاریس با حضور استادان آن دانشکده و گروهی از ادیبان و اعضای آکادمی فرانسه ایراد شد و سپس در کتابی با عنوان روح ایران انتشار یافت. این خطابه شامل «حافظ شیرازی»، «عصر حافظ» و «زندگی حافظ» است.

سپس به مینیاتوری دو صفحه‌ای می‌رسیم که مردی سر برهنه جلو غاری نشسته است که لابد حافظ شیرازی است و جوانی جلو او زانو زده است و پشت سر او جوانی است که در دست راست او دهنه اسب است و در دست چپش ظاهراً اسفند دودکنی ظریف است. قیافه حافظ به دزدان و راهزنان بیشتر شباهت دارد تا نسبت به مرد خدا. این مینیاتور اصلاً شرح و وصفی ندارد. ورق را که برگردانید ابتدای دیوان غزلیات حافظ جلو چشم شماست و با «الایا ایهاالساقی» شروع می‌شود. پس مقدمه دکتر پرویز ناتل خانلری کجا رفت؟

فرستی به دست افتاد که چهل صفحه از این دیوان را بخوانم و نظر خود را درباره آن بنویسم

ص ۲: دلم ز صومعه بگرفت و خرقه سالوس / آقای شمس‌الدین مرادی (خطاط) سر بریده یاء را روی «خرقه» نگذاشته‌اند.

ص ۲: خود آن کرشمه کجاست و آن عتاب کجا / این مصراع وزن ندارد.

ص ۴: می‌رسد مژده گل بلبل خوش‌الحان را / خوش‌نویس گذاشتن سر بریده یاء را روی «مژده گل» فراموش کرده.

ص ۴: هر که را خوابگه آخر به دو مشت خاک است / به جای «ز دو مشت خاک است».

ص ۶: تفقدی نکند طوطی شکر خارا / تشدید تفقد افتاده است.

ص ۶: که خال مهر و وفا نیست روی زیبا را / به جای «که نقش مهر و وفا نیست روی زیبا را».

ص ۶: در آسمان نه عجب گر به گفته حافظ / سر بریده یاء در

کلمه «گفته» افتاده است.

ص ۷: ازرق فام، «ارزق قام» شده.

آنچه در جلو پای مسکینه هست چیست؟ ما چنین چیزی در زندگی ایرانی نداریم. چشمان این درویش چپ است و ظاهراً در عالم خلسه است. این تابلو در درک ابیات حافظ تا چه اندازه مؤثر است؟

ص ۳۱: «با نعره‌های غلغله اندر گلو ببست» / آقای مرادی حرف «را» را انداخته و خیلی ریز لابه‌لای حروف نوشته است.

ص ۳۲: خداچو صورت ابروی دلگشای تو بست / بالای حرف تاء در کلمه بست دو نقطه‌ای که روی هم گذاشته‌اند برای چیست؟ در مصراع دوم باید بنویسند «کرمه‌های تو». چسباندن «های» جمع و کرمه درست نیست.

ص ۳۲: ولی چه سود که سر رشته در رضای تو بست / نقطه‌های کلمه «تو» بر سر جای خود نیست.

ص ۳۴: «آشیانه تست» سر بریده یاء را از روی «آشیانه» حذف کرده‌اند.

ص ۳۴: ولی خلاصه جان خاک آستانه تست / سر بریده یاء را بر روی کلمه «خلاصه» و «آستانه» به قدری ریز نوشته‌اند که دیده نمی‌شود.

ص ۳۴: در کلمه «مفتح» تشدید فراموش شده.

ص ۳۴: به لطف خال و خط ز عارفان ربودی دل / غلط است و صحیح آن «به لطف خال و خط از عارفان ربودی دل» است.

ص ۳۴: سر بریده یاء در کلمه «عاشقانه» بسیار ریز است و خوانده نمی‌شود.

ص ۳۵: در کلمه «افتادست» نقطه حرف «ف» به ابتدای سین چسبیده و خوانده نمی‌شود.

ص ۳۵: مستغنیست را باید جدا نوشت. تا حال هیچ یک از نسخه‌نویسان چنین نکرده‌اند.

ص ۳۵: کزین فسانه و افسون مرا بسی یاست / به جای «بسی یادست».

ص ۳۸: وصل تو اجل را از سرم همی داشت / که کلمه «دور» افتاده است و بعداً ریز بالای عبارت نوشته‌اند.

ص ۳۸: حافظ زغم گریه نپرداخت به خنده / باید بنویسند: حافظ زغم از گریه نپرداخت به خنده.

ص ۳۸: وصل تو اجل را از سرم همی داشت / باید بنویسند «وصل تو اجل را ز سرم دور همی داشت».

ص ۳۹: ای نازنین صنم تو چه مذهب گرفته‌یی / نقطه‌های گرفته‌یی را به شکل مثلث روی «راء» گذاشته‌اند و میان نقطه‌های «یی» که باید زیر یاء قرار گیرد فاصله افتاده است.

ص ۳۹: تا آب ما که منبعش الله‌اکبر است / نقطه‌های «تاء» افتاده است.

### تصویرها

شکل اول: «مرد نشسته» کار رضا عباسی، نیمه نخست سده یازدهم ه. ق. مندیله او عجیب است. مندیله را ابتدا بر سر زانو بسته و شالی به یک‌ور آن پیچانده و بر سر گذاشته است. نظیر این مندیله را دوران

حافظ نداشته‌ایم.

شکل دوم: درویش مسکینه از مرقع هندی نیمه نخست سده ۱۱ ه. ق. در کاخ گلستان.

شکل سه: جوان ایستاده منسوب به فرخ بیک، مرقع گلشن، نیمه نخست سده یازدهم ه. ق. کاخ گلستان.

شکل چهارم: بانوی نشسته، مرقع ۱۶۳۸ کاخ گلستان.

شکل پنجم: در محضر استاد، نیمه نخست سده یازدهم ه. ق. استادی که فقط سه شاگرد دارد و سایرین که در این شکل هستند معلوم نیست چه کاره‌اند.

شکل ششم: خاکیان عشق، نیمه نخست سده یازدهم ه. ق.

شکل هفتم: «باز در دست دارد آن سرمست»، نیمه نخست سده یازدهم ه. ق. کاخ گلستان.

شکل هشتم: تفرجگاه، مرقع گلشن، نیمه نخست سده یازدهم ه. ق.

شکل نهم: سوار جوان با قوش در دست، اواخر سده دهم ه. ق.

شکل دهم: مجلس بزم شبانه، مرقع گلشن که در متن مرقع گلشن چاپ شده است. نیمه نخست سده یازدهم کاخ گلستان.

شکل یازدهم: جوان نشسته، مرقع هندی نیمه نخست سده یازدهم ه. ق.

شکل دوازدهم: در محضر پیر، مرقع گلشن، سده ۱۰ ه. ق. کاخ گلستان.

شکل سیزدهم: زن ایستاده، موزه رضا عباسی.

شکل چهاردهم: مجنون در بیابان، مرقع گلشن (قسمت بالای شکل شرح داده نشده) کاخ گلستان.

شکل پانزدهم: مرد اسیر شده، سده ۱۰ ه. ق. موزه رضا عباسی.

شکل شانزدهم: میرکمال‌الدین بهزاد، نیمه نخست سده ۱۰ ه. ق.

شکل هفدهم: دو مرد، رقم محمدعلی، سده ۱۱ ه. ق.

شکل هجدهم: مجلس بزم، نیمه نخست سده یازدهم ه. ق.

شکل نوزدهم: درویش بهشتی، رضا عباسی، ۱۰۳۴ ه. ق.

شکل بیستم: تفرج در طبیعت، منتخبات بوستان، سده ۱۰ ه. ق.

شکل بیست و یکم: جوانی سوار بر اسب، موزه رضا عباسی.

شکل بیست و دو: میان صفحات انگلیسی شکل‌ها بیشتر به مینیاتورهای چینی شباهت دارد و شرحی ننوشته‌اند.

یکی از شکل‌ها که درص ۴۹۵ است شکل عجیبی است. روی بدن اسبی که جوانی بر آن سوار است پر است از نقوش آدمی در حالت جنگ.

یکی از این شکل‌ها مربوط به دوران حافظ نیست و مشکلی را درباره حافظ حل نمی‌کند، فقط برای زینت و آرایش کتاب چاپ شده است. صفحه‌ای نیست که حاشیه‌بندی و ریزه‌کاری نداشته باشد. این‌ها گرهی از درک حافظ نگشوده‌اند.

سی و هشت صفحه مطالب انگلیسی در آخر کتاب است که فرصتی برای رسیدگی به آن نیست و احتیاجی به شرح و تفسیر آن نداریم. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.